



۲۰۲۱/۰۹/۱۱



سید حمیدالله روغ

محتاط باشیم!

وضع کنونی در افغانستان، از جهات زیادی، غیر معمول و غیر منتظره است؛ تفسیر هایی که ما افغانان در طی سه هفته گذشته در باره وضع در افغانستان نوشتیم، به ندرت از یک مبنای اندیشیده شده نتیجه شدند؛ هم طرفداری ها، و هم مخالفت های ما، چشم بسته به موضع قومی فرو می غلتند؛ نیم قرن است که در تحت لوای سیاست ما پیوسته بیش تر به مواضع قومی لغزانیده شده ایم؛ ما فکر سیاسی را در کرسی قومی عقب راندیم؛ چنین نشان دادیم که فضای تنگ قومی، فضای «آزادی»، باشد؛

به این سان ما نه تنها سیاست و آزادی را تحریف کردیم، بل خود «قوم» را هم به بن بست کشانیدیم؛ این درست است که این نگرش که در بیرون از افغانستان آماده شد، یکی از عظیم ترین میدان های تهاجم بر علیه افغانستان بود؛ اما این هم درست است که ما این تهاجم را نه شناختیم؛ این نگرش با دستان خود ما در تندور داغ افغانستان «زده» شد؛ و طی ۴۰ سال گذشته همه شاهد بودیم که تندوری هایی که در این تندور پخته شدند، از گوشت و پوست خود افغانان بوده اند؛ تا چی وخت ادامه بیابد؟

ما باید به یک نقد اساسی، و پیگیر، و قاطع از نگرش قومی برسیم؛ ما باید در برابر انکشافات جاری در وطن معیار های غیر قومی قضاوت را بیابیم؛ و محکم کنیم؛ سه معیار اصلی برای قضاوت در باره جناح بندی های جاری در افغانستان، را چنین جای می دهیم:

اول:

معیار اصلی برای قضاوت در باره جناح بندی های جاری در افغانستان، معیار «وطن و هموطن افغان» است؛

ما در برابر همه جوانب، به شمول طالبان، معیار «وطن و هموطن افغان» را قرار می دهیم:

هم طالبان، و هم مخالفان طالبان، فقط بر مبنای معیار وطن و هموطن می توانند قضاوت شوند؛ هر کسی که ثابت کند به وطن و هموطن افغان صادق و خدمت‌گذار است، ما به طرفداری از همان طرف موضع می‌گیریم؛ این طرفداری به این معنی است که ما از صداقت و خدمت‌گذاری همان طرف تجلیل می‌کنیم؛

فقط بر مبنای «وطن و هموطن افغان» قیام در افغانستان می‌تواند به قیام ملی و همگانی میدل شود؛ هرگاه یک حرکت، چه سیاسی و چه نظامی، تجزیه و پارچه ساختن افغانستان را هدف قرار داده باشد؛

و به نام افغان، به نام افغانستان، به بیرق افغانستان، و به مصلحت افغانستان، پابندی نه داشته باشد؛ هر چی باشد، و هرکی باشد، حمایت قاطبهٔ مردم افغانستان را نمی‌تواند کمایی کند؛ مشروعیت حاصل نه می‌تواند!

هرگاه نیروهایی کرسی قدرت را با عنوان یک گروه اشغال کرده باشند، اما عدم وابستگی خود را به شبکه‌های مخفی و علنی ضد افغان و ضد افغانستان، چه در پاکستان، و چه در سایر کشورها، ثابت ساخته نتوانند؛ و به وابستگی‌ها به مراجع ضد افغان و ضد افغانستان ادامه بدهند، این نیروها، با هر نام، و هر نشانی، که در افغانستان جاگزین ساخته شده باشند، حمایت قاطبهٔ مردم افغانستان را نه می‌تواند کمایی کنند؛ و مشروعیت حاصل نمی‌توانند؛

دوم:

معیار اصلی برای قضاوت در بارهٔ جناح بندی‌های جاری در افغانستان تعهد و صداقت در پایان بخشیدن به جنگ است؛

یک آغاز نو در افغانستان، فقط با این معیار قضاوت می‌شود که کی به جنگ و خونریزی و جنایت و فساد در افغانستان پایان می‌بخشد؛ و پایان بخشیده می‌تواند؛ حلقهٔ شیطانی تداوم جنگ در وطن ما، با بهانه‌های مختلف، باید و حتماً شکستاننده شود؛ جنگ یک تجارت است که دیگران بالای زندگی و جان افغان به پیش برده اند؛

افغان کشی را پایان بخشیم!

قیام به نام ادامهٔ جنگ و خونریزی، از حمایت قاطبهٔ مردم افغانستان برخوردار نمی‌شود؛ و مشروعیت حاصل نمی‌تواند؛ قیام فقط می‌تواند بر مبنای مدنی تدویر و گسترش بیابد! ما از نیروهایی حمایت نمی‌کنیم که، تحت هر عنوانی، به ادامهٔ جنگ و خونریزی در افغانستان دعوت می‌کنند!

هر نیرویی در افغانستان که از ختم جنگ و افغان کشی حمایت می کند، ما به طرفداری از آن نیرو موضع می گیریم!

سوم:

دولت یک مفهوم «گروهی» نیست؛ بر مبنای «منشور» یک گروه نمی توان «دولت» ساخت؛ تلاش برای تدویر دولت بدون پاسخ به سوال مشارکت سیاسی، محکوم به ناکامی است؛ تلاش برای تدویر دولت بر مبنای گروهی، از موضع نقض حریم و از موضع سرکوب هویت ها، نقض عدالت اجتماعی است؛

تدویر یک نظام سیاسی، تدویر یک ثبات سیاسی، تدویر یک برنامه نجات وطن، خصلاً دارای ماهیت و مبنای همگانی هستند؛ چنین یک جریان منحصر به یک گروه نمی تواند باشد؛ چنین یک جریان نمی تواند به وسیله یک گروه تحقق یابد؛

همه بخش های جامعه افغان، در یک رستاخیز نو برای آینده، در کنار یگدیگر باید به زحمت و فعالیت فراخوانده شوند؛ نظام سیاسی باید بر مبنای «ممثل» تأسیس شود؛ ممکن نیست از «تمثل» زنان در رستاخیز نو وطن، و بنا بران در نظام سیاسی، انکار شود؛

همه گرایش هایی در افغانستان که بر انکشافات سیاسی امروز و آینده افغانستان، یک انحصار گروهی، و باز یک انحصار سرکوبگر گروهی، را تحمیل می کنند؛ از حمایت قاطبه مردم افغانستان برخوردار نمی شوند؛ و مشروعیت حاصل نمی توانند؛

افغان و افغانستان از میان آتش و دود و خون یک ویرانی ۴۵ ساله دوباره به پا می خیزد! عوامل متعددی باعث این وضعیت بوده اند؛ اما وزن اشتباهات، و اراده گرایی و تغلب خود ما، بیش از نقشه ها و مداخله دیگران سنگینی می کند؛

عاقبت اندیش باشیم، و این بار بر تهداب های درست و متین آینده را آباد کنیم!

اگر چنین نکنیم، بار دگر ویرانی و آتش و خون در پیش است!

محتاط باشیم!



برای مطالب دیگر سید حمیدالله روغ روی عکس کلیک کنید